



ت نامحدود  
نسخه ی پخش در اینترنت

شماره ی دوم، بهم  
هن هزار و سیصد و هشتاد و نه

گی مجله ی موسیقی بارباد  
گاه نامه ی اینترنتی

# بارباد

# مجله بارباد

مجله موسیقی ایرانی شمسه شماره ی دوم بهمن ۱۳۸۹  
مدیرمسئول و طراح گرافیک گل آرا توکلیان  
نقل و انتشار مطالب این مجله تنها با رضایت کتبی امکان پذیر است  
برای تبلیغات در مجله بارباد با ۰۹۳۵۳۷۶۱۶۲۹ تماس بگیرید  
WWW.BARBADMAGAZINE.COM  
barbadmagazine@gmail.com

با تشکر از یاشار رپفا، صمیم پزشکی، حسن سجادی، مهدیه کنگر لو

و کلیه کسانی که در تهیه این مجله مارا یاری کردند

## مقدمه

برای عالی کار کردن مجله هدف های زیادی داشتیم اما کارسختی بود. پیدا کردن کسانی که در موسیقی موفق بودن، ایجاد ارتباط با اون ها ، مصاحبه ،عکس و...

متاسفانه حرف و حدیث زیادی این قبیل کار ها را تحت الشعاع قرار می دهد، هر چند که از حاشیه فراری ام اما گریبانمان را ناخود می گیرد...

افرادی بودند که باهاشون مصاحبه شده بود اما وسط کار غیبتون زد... آره به همین راحتی و حالا فکر کنین این وسط من موندم و مجله ای که نصف و نیمه ول شده بود . ناراحت بودم اما باید محکم به کارم می چسبیدم. در خلوت خودم فکر کردم و به این نتیجه رسیدم که این قدر عرصه موسیقی و مسولیتی که به عهده گرفتم برام مهمه تا این قبیل اتفاق های ناراحت کننده دیگر در نظرم جلوه ای نکند. بنابراین کار کردم و کار کردم وحالا ماحصل این تلاش در نظرتان هست، بگذریم...

بد نیست ببینیم روان شناسان در رابطه با اضطراب چه می گویند، تا بتوانیم بر آن غلبه کنیم و به آسانی در دنیای موسیقی از آن بهره ببریم:

روانشناسان معتقدند که اضطراب از یک احساس شروع می شود و اگر این احساس، حاصل یک شناخت غیرمنطقی، موهوم و غیرواقعی باشد و خطری شما را تهدید نکند، پس شناخت شما غیرمنطقی است و باید بازسازی شود. بنابراین ،نخستین اقدام، باید به دست آوردن شناخت جدید و درک واقعیت جدید باشد. هر فرد موفق ، برای موفقیت خود اصول ،مرام نامه و معیارهایی دارد. چنین فردی آگاهانه هدف ، انگیزه و چهارچوب های اساسی فعالیتش را حداقل نزد خود به روشنی بیان می کند. هر چه این معیارها و مرام نامه منطقی تر و عملی تر و دارای تناقض و ابهام کمتری باشد، با شخصیت آن فرد بیشتر تلفیق و ترکیب می شود و او موفقیت بیشتری خواهد داشت. اگر موسیقی ،نظام زیبایی ها و زیباشناسی صدا و صوت و سکوت است ،پس چه عواملی قطعه ی موسیقی راهنگام اجرای زنده زیباتر و هوش رباتر می کند؟ آیا چیزی غیر از وضع روحی نوازنده ،آرامش و تمرکز و خلسه و مکاشفه و از خود بی خودی او؟ برای نمونه ، فردی با اهدافی کوچک مثلا خودنمایی ،هوس ،پیروی از مد ،جلب توجه ،مشهورشدن و از این قبیل خواسته ها ،به روی صحنه می رود؛ اگر هم موفقیتی پیدا کند ،ولی مدت طولانی پایدار نخواهد ماند و دوام ندارد و یا فردی که انگیزه او خودشیفتگی ،خودبزرگ پنداری ،برتری طلبی ،رقابت ناسالم و یا تعریف و تمجیدهای غیرواقعی افراد در جلسات خانوادگی باشد باز هم دارای موفقیت بزرگ و طولانی نخواهد بود. همین طور کسی که در تنهایی خود را نابغه می پندارد ولی پشتکار و تلاش چندانی ندارد و به انتقادهای بی توجه است، او هم قربانی شناخت نادرست خود از واقعیت و قربانی تضادهایی است که در معیارهای او وجود دارد. بنابراین شناخت واقعیتها و نداشتن تناقض در مرام نامه شخصی ،می تواند نخستین اقدام در مبارزه با اضطراب باشد. اضطراب چیست؟ اضطراب ؛ترس از پیش آمدن خطر و شرایط نامطمئن و از دست دادن امنیت است. هنگام اضطراب ، در اثر به هم خوردن تعادل اکسیژن و گاز کربنیک در خون، فرد دچار مشکل تنفسی می شود. از نظر فیزیولوژیک ثابت شده که حتی فکر کردن به موضوع مضطرب کننده ،باعث ایجاد آثار جسمی اضطراب مانند تنگی نفس ،احساس خفگی ،افزایش تپش قلب ،تعریق و غیره می شود.



حدود 5–6 سال پیش آلبومی به نام جنگل آسفالت به سبک رپ منتشر شد. این آلبوم در نوع خود بسیار در خور توجه بود. خواننده ی اون رو حتما می شناسید سروش لشکری (هیچ کس). آلبوم جنگل آسفالت ترکیبی از نو آوریها ، در شیوه خواندن و آهنگ سازی سروش به شمار می رود. این مقدمه ای بود تا توسط سروش شخصی به عرصه موسیقی ایران معرفی بشه که صداش، اشعار منتخبش، حسش و فضای درک او از موسیقی اصیل ایرانی حس مشابهی از فضای این روزهای ما دارد.او کسی نبود جز امیر بیداد... امیرقهرمانی ملقب به بیداد متولد 5 اردیبهشت 68 در خانواده ای اهل موسیقی به دنیا آمد و پرورش یافت. به همین دلیل جای تعجب ندارد که او به این جوانی موسیقی را به صورت حرفه ای دنبال کند .امیر بعد از شروع همکاری با سروش هیچ کس،13 روز تیتراژ برنامه ی آستانه را برای صدا و سیما کار کرد .

بعد از این دوره بیداد با دوستان رپرش همکاریش رو بیشتر آغاز میکنه . او در گروهی نوپا در سبک اصیل فعالیت داره و ماحصل تلاش های امیرو گروهش رو به زودی می توانیم در کنسرت تهران به تماشا بنشینیم .

بیداد اجرای آینده گروهش رو این طور برای ما معرفی میکنه :

یک گروه 25–18 است. سرپرستی و آهنگ سازی و همین طور خوانندگی رو خودم به عهده دارم. ما از سازهایی شامل گیتار الکترونیک ،گیتار باس،کمانچه،سه تار،درام دیجیتال،سپنتی سائزر،ویلن سل،spdsدرام،ساز های کوبه ای که از اقصی نقاط دنیا جمع آوری شدن استفاده میکنیم، تا بتوانیم فضای متفاوت در عین حال شنیدنی و لذت بخش را برای شنوندگان به وجود بیاریم.

امیر در ادامه می گه: همکاری ام در رپ تنها با همان کسانی که کار کردم ادامه خواهد داشت ، دوستانم؛ علی قاف با آلبوم جدیدش، همین طور اشراق وحسین رحمتی (ابلیس)و به احتمال زیاد با بهرام جی همین طور با خوانندگانی از نیوزلند،استرالیا و امریکا در حال همکاری ام. بیداد همکاری با چند شبکه خارجی را به ما وعده میده و تاکید میکنه که سیاسی نیست و هیچ ربطی به دنیای سیاست نخواهد داشت. البته امیر تصمیم این رو هم داره که از جو حاشیه ای هیپ هاپ بیرون بیاد.

شاید برامون سوال باشه چرا بیداد ؟ امیر اینطور میگه:

– بیداد گوشه ای آواز از دستگاه همایون است. بیداد یعنی فریاد بسیار، اما اگر به صورت جدا نوشته بشه به معنی بی صداست و با من کاملا در تضاده



همیشه نگاه یک هنرمند در مورد کارهای خودش جالبه، نظر امیر درباره کارهایش شاید واقع گرایانه است و این حتما توی پیشرفتش کمک خواهد کرد. بیداد در مورد خودش اینطور میگه:

صدام رو دوست دارم ولی خیلی کار داره تا به اون چیزی که باید، برسه . گذشت زمان خیلی چیزها را مشخص می کند و با مرور زمان صدایم و تحریر هایم پخته تر می شود .همیشه نو آوری خوب نیست یک سری نوآوری های منخرب وجود دارند.شاید من در گذشته چنین کارهایی انجام داده ام و البته دیگه این کارو تکرار نخواهم کرد.او متذکر میشه که: با اشعارم با صدایم و نحوه ی خواندنم سعی دارم که مشکلات جامعه را بیان کنم و این ها زخمه هایی به ساز اجتماع است تا دردهای نازیبا رو زیبا بشنویم .

البته امیر یکم نا امیدانه برخورد میکنه و میگه : توقع ندارم 20-10 سال آینده صدام کامل تر که می شود مثل صدای خواننده های قدیمی با آن همه لطافت و ظرافت بشنوید.امیر در راستای درد دل های زیست محیطی اش میگوید: من در فضای کاملا شهری زندگی کرده ام و تاثیرات زندگی شهرنشینی، انواع آلودگی های محیطی، لطافت صدای متاثر از زندگی در کوه و دشت و دمن را نخواهد داشت

ما و هم نسل هایمان در نوع خودمان بی نظیریم اما در این شهر شلوغ گرفتار آمدیم، آسمان شهری که حتی ستاره هایش را با چشم غیر مصلح نیز تار میتوان دید. ما با این همه آلودگی ، مواد نگه دارنده و بیماریها برای زنده ماندن می جنگیم...روزهای متمادی در این هوای مسموم دم و بازدم میکنیم به امید بوی باران و خاک نمور، بوی کاه گل و زمزمه آب با سنگ... شاید همین دوری از لطافت است که ما و صدایمان خشن تر و رنگ های منتخب لباسمان چرک تر و تیره تر از قدیمی هاست...

امیر، بیدادی کردی و این زخمه کهنه را خونابه باز شد . بگذریم ...

بی شک سازهای ایرانی، سازهای قوی و اصولی هستند که طی قرن های متمادی تکامل یافته و دست به دست، نسل به نسل گشته تا امروز به ما رسیده است . نوآوری با حفظ اسلوب های دیرینه عاملی مهم برای زنده نگه داشتن، ارتقاء و عرضه مواریث فرهنگی ما به دیگر جوامع است از این گذار نوآوری جالب و در خور توجه ای رو در برخی سازهای ایرانی توسط بیداد میبینیم که برای ما این طور مطرح میکنه ما به آواییی احتیاج داشتیم که ساز غربی آن ها موجود بود، برای رفع این نقصان مجبور شدیم از روی نمونه های خارجی سازایرانی بسازیم .مثل ویلن سل که ایرانیش کمانچه بیس است. همینطور گرشوپ و واتر درام که ما نوعی از آن را ساختیم که کاملا ایرانیست.

شاید بتونیم بگیم این جنبش، یعنی نوآوری در سازهای ایرانی که جزء ملزومات موسیقی ایرانی است(تا گردو غبار قرون را از چهره این هنر ارزشمند زدوده و این هنر بزرگوار را صیقل دهد) در این دهه مورد توجه بزرگان موسیقی ایران قرار گرفته و بزرگانی چون استاد شجریان، استاد علیزاده و دیگر اساتید با درک کمبود های موسیقی اصیل ایرانی، بر این مهم همت گذاشتند. منجمله این نوآوری ها کمبود انواع صدا های یم بود که با رفع کردن این کاستی بزرگ از سازهای غربی استفاده نمیشود و البته این نکته از قلم نیفتد که بسیاری از سازهای غربی بر گرفته از ساز های ایرانیست.

در زمینه بهره از ساز میگه: چندسال قبل من از ساز های آگوستیک استفاده نمی کردم اما الان از این سازها استفاده میکنیم.

امیر با اطمینان میگه: کارهام تخصصی تر خواهد شد،به طوری که طرفدار های خاص خودش را پیدا می کند.

زندگی ایرانی با شعر پیوند دیرینه ای دارد، یکی از عوامل موفقیت یک خواننده که برای مخاطب ایرانی میخوانه استفاده از اشعار قوی است . خوشبختانه بیداد از شعرای به نام ایرانی بهره میگیره :

قبلا از اشعار شاعر های مشهور استفاده نمی کردم اما حدود 3-2سال است که چنین روندی ندارم . در حال حاضر از اشعار بزرگانی چون هوشنگ ابتهاج، احمد شاملو، نصرت رحمانی ،شفیع کدکنی، حافظ، مولانا، سعدی... بهره میگیرم.

و در آخر از امیر بیداد میخوام که از آلبومهایش برامون بگه :

اولین آلبوم رسمی ام به زودی در دسترس عموم قرار می گیرد . اشعار این آلبوم منتخبی از آثار هوشنگ ابتهاج، شفیع کدکنی و... است، کارها به صورت تلفیقی است. بعضی از قطعات تلفیق آواز ایرانی با موزیک هیپ هاپ و در قطعه هایی دیگر آواز ایرانی با موسیقی کانتری و الکترونیک.

بعد از این همه گپ دوستانه وقتی به آخرین سوالهای مصاحبه نزدیک میشدم، چشمم به گردن بند امیر افتاد. جذبش شده بودم. متفاوت و جذاب بود و تمام نگاهمو جذب کرد. امیر که متوجه نگاهم شد...

به گردن بندش اشاره کرد... در دستش گرفت و گفت یادگار ماجرای تلخیست آن روز سه تارم شکست...

گردن بند کوک سه تار شکسته بود!جالبه... خوب یادمون نره که با یه هنرمند طرفیم

یادمون باشه هیچگاه برای آغاز دیر نیست، هر لحظه که میمیرد از پس آن لحظه ای زاده میشود، لحظه ای برای آغاز و انجام برای اوج ، رستن و پیمودن...

امیر از نوجوانی حرفه ای شروع کرد، یکی از 25 سالگی و شاید ... یکی دیرتر، یکی زود تر ، اما مهم بیداد است بیداد بر سر ندانستنها و نتوانستن ها و عروج از بودن ها به سوی شدن ها . به امید لذت و اشتیاق برای بیدادها....





# این چیزدزوزه بابا



ملودی و صفورا صفوی سال‌هاست خارج از ایران زندگی می‌کنند. ملودی خواهر بزرگتر ،صفورا خواهر کوچکه و صوفی داداش بزرگست.مصاحبه ای که در مقابلتان هست گپی کوتاه من با ملودیه عزیزه.آبجیزی ها مهربون و مردم دارن و خیلی به طرفدار هاشون اهمیت میدن.

و در ضمن خیلی هم پر کارن و این روزا سرگرم کنسرت اند. آبجیز از روزمرگی می‌گه از مشکلات، شادی های لحظه ای.. دغدغه ها و...

بالاخره من تونستم تو این شرایط باهاشون مصاحبه کنم و این است صحبت های منو ملودی... :

ملودی عزیز از فعالیت هاتون بهم بگو و تقسیم کار تو گروه چه جوریه هستش. شما معمولا چه کاری می‌کنین صفورا چون چه کارهایی همین طور باقی اعضای گروه واینکه قصد تغییر یا حتی جابه جایی در فعالیت هارو هم دارین؟

آبجیز یک گروه مستقل به معنای واقعی کلمه است که همه کارهاشو از بخش هنری گرفته تا کارهای فنی و مدیریت- برنامه ریزی- تولید و توزیع رو خودمون انجام میدیم. این مسئله در کار ترانه سرایی و آهنگسازی که قاعدتا باید کار اصلی و تمام مدت من و صفورا باشه اختلال ایجاد می‌کنه. درحال حاضر چاره ای جز ادامه همین روش نداریم چون اگر همه این کارها رو خودمون انجام ندیم اونوقت کار پیش نمیره و متوقف میشه. بخشی از وظایف ما در گروه کاملا مشخصه. مثلا صفورا آهنگسازی می‌کنه گیتار می‌نوازه و میخونه و رهبری گروه رو بعده داره. من ترانه ها رو می‌نویسم- آواز میخونم و بخش هنری- بصری کار روبه عهده دارم. صوفی (برادر بزرگ ما) صدابرداری گروه رو چه هنگام ضبط و چه در زمان اجراهای زنده بعده داره و بقیه بچه های گروه نوازندگی می‌کنند. کار ارتباطات جمعی هم عمدتا به عهده من،صوفی و صفوراس

به نظر خودتون در موسیقی بر چه چیزی تاکید دارین؟ : در موسیقی بر دو چیز تاکید داریم صداقت و کیفیت. تاکید بر اینکه اونچه که می‌نویسم و اجراء می‌کنیم کاملا از دل خودمون برانگیزه و منعکس بشه و تا جای ممکن تحت تاثیر فشارها یا مسائل دور و اطراف قرار نگیریم و تاکید بر کیفیت برامون فوق العاده مهمه. تا حدی که گاهی به مرز وسواس میرسه و مجبور میشیم همدیگه رو به تکیه کنیم تا کار بسته و منتشر بشه

ومنبعی که ازش الهام می‌گیرید چی هستش؟ : منبع الهام بخش کارهامون دل خودمونه. البته با توجه به مسائل و موضوعاتی که در زمان خلق کار برامون جالب توجه بوده : معمولا چه چیز هایی روی شما تاثیر می‌گذاره که این موزیک و اشعار رو بسازین؟ : کارهای ما اغلب اوقات تاثیر گرفته از مسائل و مشکلات روزمره و البته تا اندازه ای فرهنگی- اجتماعی هست. ما به مسائلی می‌پردازیم که احساس می‌کنیم دوست داریم بهش بیشتر توجه بشه

آهنگ سازی رو معمولا به چه صورتی مرحله به مرحله پیش می‌برین؟ : اگر در هنگام ساخت یک آهنگ من و صفورا در کنار هم باشیم- اون موقع هم زمان کار رو می‌سازیم. یعنی راجع به سوژه شعر باهم صحبت می‌کنیم و هم زمان شروع به کار می‌کنیم. باهم در مسیر آهنگسازی تبادل نظر می‌کنیم و اینقدر جلو و عقب میریم تا بالاخره هر دو از کار راضی بشیم. اما اگه از هم دور باشیم- که متاسفانه این حالت بیشتر اتفاق می‌افته- اونوقت من اول ترانه رو می‌نویسم و بعد صفورا بر اساس مفهوم اون شعر روش آهنگسازی میکنه : آیا نت نویسی آهنگ هارو خودتون انجام می‌دید ونوازنده فقط اجرا می‌کنه یا این که در ساخت آهنگ هم شریکه؟ : در شروع زیربنای تمام آهنگها رو صفورا می‌نویسه و بعد اون رو به دست بچه های گروه میده تا هرکدم اونطوری که دوست دارن روی اون کار کنند. بعد همه دور هم جمع میشن و هرکسی نظر خودش رو درمورد بخشی که مربوط به ساز خودش میشه مطرح می‌کنه. بعد راجع به اون بحث می‌کنند تا به یک نتیجه رضایت بخش مشترک برسند. اونوقت شاگرد زرنگهای گروه اون رو برای خودشون نت نویسی می‌کنند!

تعداد اعضای گروه همینقدر قراره بمونه یا این که تو فکر کار با افراد بیشتری هم هستین؟!البته می‌دونم که تو کم شدن افراد گروه نمیشه خیلی نظر داد چون یهو پیش میاد...؟! تا حالا گروه متشکل بوده از یک درامر- (روبین) پرکاشنیست (پائولو) باسیست (آرلاند) گیتاریست (یوهان) گیتاریست (صفورا) خواننده (صفورا و ملودی) و برادرمون صوفی که مسئول صدامونه. تصمیم نداریم بزرگترش کنیم چون هرچه تعداد افراد گروه بیشتر میشه

چون هرچه تعداد افراد گروه بیشتر میشه متاسفانه خرج گروه بویژه موقع تور و سفرهای خارجی هم بالاتر میره

از کنسرت های اخیرتون بگین چه جاهایی اجرا داشتید و چقدر بلیت ها فروش رفت اینکه خودتون راضی بودین. خاطره ای هست که بخواین بگین یا به اتفاق جالبی که مردم بدوتن؟

آخرین کنسرت های ما در تور ۲۰۱۰ آمریکا بود که بین شهرهای سانفرانسیسکو- لوس آنجلس- نیویورک- واشنگتن دی سی و آتلانتا سفر کردیم و البته در ماه ژانویه هم کنسرت داریم.تمام این تور برای ما یکپارچه خاطره است چونکه ما این تور رو تقریبا دست تنها و بدون هیچگونه کمک مالی از کسی یا جایی انجام دادیم و برنامه ریزی و اجرای اون یک سفر بسیار پر فراز و نشیب احساسی- روحی بود که بعد از انجام اون فکر می‌کنم به ۴۰ سالی به عمرومون اضافه شد

هر شهری برای خودش یک دنیا لطف و خاطره داشت. قشنگترین بخشش کمک های بدون چشم داشت افرادی بود که با جون و دل به ما دست یاری

تا بتونیم از این هفت خان رستم بگذریم و کاری رو که معمولا یک تیم فوی و متبحر پروداکشن انجام میدن خودمون انجام بدیم. الان که دارم این رو توضیح میدم چهره همه این افراد عزیز دونه دونه جلوی چشمم ظاهر میشه و یه لبخند روی لبهام میاد. می‌ترسم اسم نازنینی رو از قلم بندازم و به همین دلیل دونه دونه اسم نمیارم. اما اونها خودشون میدونن که چه جایی در قلب من و صفورا و صوفی دارن...

میدونم بطور کلی شما پاپ رو امروزی تر و به صورت جهانی کار می‌کنید و در کنارش تلفیقی هم هست. رگه-راک-فلامنکو-جاز و... جالبه که خودتون رو محدود نمی‌کنید؟! بله - همونطوری که قبلا هم اشاره کردم ما صد در صد از روی حس و دل خودمون کار می‌کنیم و به همین دلیل هم ناخود آگاه محدود به یک سبک خاص نمی‌شیم. البته مطمئنا با گذشت زمان و کسب تجربه بیشتر کارها هم شکلشون تغییر پیدا خواهد کرد اما اگه هر تغییری هم ایجاد بشه - اصل موضوع که صداقت در کار هست از بین نخواهد رفت

صحبت از جهانی شدن شد. شما دربین غیر ایرانی ها هم طرفدار دارید.جالبه در این مورد چه نظری دارید؟ بیشتر طرفدارهای غیر ایرانی ما در سوئد و اخیرا متوجه شدیم که در فرانسه و آلمان هستند و دلیلش هم اینکه که ما کار گروه رو در سوئد آغاز کردیم و در شروع خیلی توی فستیوالهای موسیقی غربی اجراء می‌کردیم. به نظر ما این یه حسنه،چونکه باعث میشه که دامنه علاقمندهای آبجیز رفته رفته وسیعتر بشه و تعداد بیشتری از مردم در دور و اطراف دنیا به کار ما گوش بدن که خوب این آرزوی هر موزیسینی

چرا خواستین به خیالات و نا خردی جامعه ی ایران بپردازید؟ : شاید لازم باشه متذکر بشم که اگر ما در ترانه هامون بیشتر به نقص ها و کمبودهای فرهنگی و اجتماعی جامعه مون پرداختیم به این معنا نیست که از همه جوانب فرهنگ ایرانی ناراضی هستیم و خدایی نکرده می‌خواهیم خودمون و مردممون رو فقط به باد انتقاد بگیریم و بگوییم. دلیل اینکه لحن ما توی ترانه هامون بیشتر شکل انتقادی به خودش گرفته اینه که زمانی که ما شروع به نوشتن کردیم (یعنی حدود دوازده- سیزده سال پیش) احساس می‌کردیم که در آهنگ های پاپ ابرونی کمتر به ضعف ها و مشکلات فرهنگی مون توجه میشه و نیاز این کار رو به مراتب بیشتر از امروز توی فرهنگ موسیقیایی پاپ ابرونی احساس می‌کردیم. امروز تعداد گروه های آلترناتیو و یا به عبارتی زیرزمینی با ترانه هایی که مزامین انتقادی دارند به مراتب بیشتر از هرزمانی در تاریخ ما شده. اون زمان که ما شروع به نوشتن کردیم احساس می‌کردیم به اندازه کافی به نکات مثبت و زیبایی های فرهنگی ایران اشاره و جای نگاه انتقادی از خودمون در این حیطه خالی...

نکته ی قابل توجه اینه که شما ساده حرف می‌زنید اما اصلا سطحی نگر نیستید .لطفا در این مورد برام توضیح بده : زبانمون ساده است چونکه ما از بچگی ایران رو به مقصد شمال سوئد ترک کردیم و برای مدت طولانی مطالعه فارسی مون بسیار محدود شد. از اینکه شعر فارسی می‌خوندم و معنی اون رو نمی‌فهمیدم اذیت می‌شدم. بعد که بزرگتر شدم و به ایران سفر می‌کردم دیدم بچه هایی که کار راک و آلترناتیو می‌کنن هم باز به همون سبک ادبیات کلاسیک شعر می‌گن یا برای کارهاشون به اشعار بزرگ های تاریخ رجوع می‌کنن که باز همون آش می‌شد و همون کاسه! دوست داشتم به زبونی حرف بزنم که همه اقشار جامعه- چه ایرانی هایی که در داخل ایران بزرگ شدند و چه اون هایی که در سنینی پایین ایران رو ترک کردن و در جوامع دیگه زندگی می‌کنن بتونن با اون ارتباط برقرار کنن

به نظر خودتون آیا طرفداراتون فقط نسل جوان هستن یا اینکه افراد مسن هم به کاراتون علاقه نشون می‌دن؟؟

طیف طرفدارهای آبجیز نسبتا وسیعه و روزانه از همه جور سن و نسل و ملیت برامون ایمیل میاد. از قشر دانشجو در اقصاء نقاط ایران گرفته تا پدر و مادرهایی که از ما خواهش می‌کنن تا در مکانهایی کنسرت اجراء کنیم تا بتونن بچه هاشون رو هم برای تماشا بیارن و یا نوجونهایی که با اشتیاق برامون می‌نویسن که موفق شدن پدربزرگ و مادر بزرگ هاشون رو هم آبجیزی کنن

شما چطوری سعی می‌کنید هویت ایرانی بودنتون رو غیر از این که فارسی بخونید حفظ کنید.چیزی که واسه غیر ایرانی ها مورد توجه باشه وهم ایرانی ها

رو بیشتر به خودشون بیاره؟

ما راستش سعی نمی کنیم کاری کنیم یا چیزی از خودمون ارائه کنیم که نیستیم. اگر هویت ایرانی در ما پر رنگ - صرفا بخاطر اینه که زمینه اش در ما پررنگ تره. ما خودمون خودمون رو ایرانی می دونیم چون در ایران و خانواده ایرانی متولد شدیم اما چون قسمت اعظم زندگیمون رو در بیرون از ایران گذروندیم تاثیر فرهنگ های دیگه (بویژه فرهنگ سوئد) بر ما قالب بوده. من مثلا صغورا رو بیشتر یک سوئدی میدونم تا ایرانی. اما شاید هم همین جهانی بودن ما باعث شده که بتونیم با گروه وسیعتری از مردم ارتباط برقرار کنیم و توجه اونها رو به موسیقی خودمون جلب کنیم

ایا موسیقی تنها راه درآمدتونه و اگر نه دیگه چکار می کنین؟

هنوز کار ابجیز به مرحله ای نرسیده که بتونیم تنها از این راه امرار معاش کنیم اما هر سال احساس می کنیم که وقت مون رو بیش از سال دیگه به خودش معطوف می کنه. امیدواریم بتونیم به زودی اون رو منبع اصلی درآمدمون بکنیم تا به این وسیله بیشتر کار کنیم و قطعات بیشتری منتشر کنیم

ایا ابجیز قصد داره با ایرانی ها و یا بند خاصی همکاری کنه. هر چند می دونم که شما مشغله های زیادی برای ضبط کار های خودتون دارید اما همکاریتون با ایرانی های دیگه که خوب کار می کنن

یه جور اتحاد بینمون ایجاد می کنه، درسته؟ - هنرمندا و گروه های بسیاری با ما تماس می گیرند و ابراز مهر و تمایل برای همکاری می کنند اما همونطوری که خود شما گفتین به انجام رسوندن کارهای خودمون بقدری دشوار و وقت گیره که واقعا فرصتی باقی نمی مونه که بتونیم اونطوری که دوست داریم با هنرمندهای دیگه همکاری کنیم. البته یکی دو بار این کار رو کردیم ولی اون بخاطر این بوده که هم از لحاظ زمانی امکان این رو داشتیم که با اون هنرمند وقت با کیفیتی رو بگذرونیم و هم امکان مالی اش فراهم بود بصورت بگیره.

اما همکاری از راه دور بسیار سخته به ویژه اگر بخواهید اون کار با وسواس و دقت زیاد انجام بشه. با این حال تایید می کنیم که ایجاد اتحاد بین ما هنرمندا بسیار مهمه (شاید یکی از مهمترین وظایف ما ایرانی ها در هر زمینه ای که فعالیت می کنیم باشه) اما این اتحاد می تونه به اشکال مختلف صورت بگیره لزومی نداره که ما فکر کنیم تنها راه همکاری و نشانه همبستگی ساختن یک اثر هنری مشترکه. ما می تونیم در زمینه های مهم تر و با ارزش تر با هم همکاری داشته باشیم و این حس زیبا رو به اطرافیانمون منتقل کنیم. همون طوری اخیرا این رو می تونید بیشتر در مردم ما احساس کنید.

ممکنه بخوای در مورد موضوع خاصی حرف بزنی که من نپرسیده باشم. چیزی شاید بچه های گروه هم بخوان بگن

اگر به چیز خاصی هم دوست داری اشاره کنی من خوشحال میشم حرفتون رو منتقل کنم

مرسی از اینکه لطف کردین و با ما مصاحبه کردین. ما خیلی دوست داریم طرفدارهای عزیزمون رو از نزدیک ببینیم و برایشون برنامه اجراء کنیم. اگر دوست دارین ابجیز رو به شهرتون دعوت کنیم حتما با ما از طریق وبسایت ما تماس بگیرین. همین طور کارهای ما رو می تونین از طریق همون سایت تهیه کنیم

[www.abjeez.com](http://www.abjeez.com)

به امید دیدار







# گفتگوی با فرشیید اعراب

علی آرا توکلیان



در آلبوم پنهان 3 شعر آن از مولاناست که پیشنهاد آن از طرف پدر همسر، آقای محمود استاد محمد بود.

آقای اعرابی دلیل انتخاب اشعار کلاسیک در آثارتون چیه؟

– دلیل انتخاب اشعار قدما این بود که در نوع خود جوانان را با شعر این شاعران آشنا کنم، به خصوص اینکه در حال حاضر در بسیاری از آهنگ ها اشعار بی محتوا و گاهی خسته کننده و با موضوعات تکراری بسیاری دیده می شود. در هر صورت افرادی در معنا و کلام موسیقی به دنبال چیزهایی فراتر از این موضوعات می گردند. حالا ممکن است برای بسیاری این سوال مطرح باشد که چرا من از اشعار مولانا بهره بردم و برای مثال حافظ را انتخاب نکردم، دلیلش اعتراضی بود که در اشعار مولانا موج می زند، ولی حافظ با آن همه حس لطیف و نگرش ظریفش به دید من برای هوی مثال مناسب نیامد. برای مثال در قطعه کافران معنی، ریتم و ضرب کلمات برای موسیقی مثال انتخاب بسیار بجاییست. فاصله ای که بین آلبوم پنهان و سکوت راوی بود 5 سال است علت این زمان طولانی چیست؟

–بله من زود به زود کار منتشر نمی کنم واین به خاطر سبک موسیقی منتخبم هست، باید با احتیاط در آن حرکت کرد. از طرفی فاصله کوتاه در انتشار این آثار سبب می شود کار کیفیت خود را نیز از دست بدهد. به هر حال من هیچ اصراری به اینکه آثار فراوانی منتشر کنم و از نظر کمیت آنان را افزایش بدهم، ندارم و ترجیح می دهم کیفیت کارهایم بالا تر برود.

آقای اعرابی نظرتون در مورد خوانندگی بگید؟

با وجود اینکه به شکل حرفه ای در این زمینه خوانندگی کار کرده ام و سال ها هم در تلویزیون فعالیت داشتم، اما تمایلی برای خواندن ندارم. علت اینکه در این آلبوم ها خودم خواندم این هست که خوانندگان ما با وجود توانایی های فراوان و محبوبیت صدایشون در زمینه راک تو ایران اندک هستند.

البته انتظاری جز این هم نداریم چون در کشور ما فعالیت های آکادمیک به سبک راک بسیار ضعیف عمل کرده و این سبک موسیقی در ایران بسیار جوان است، در حالی که در اروپا عمری 60-50 ساله دارد. موسیقی راک در غرب علاوه بر مسائل آکادمیک از لحاظ تکنیک هم پیشرفت های بسیاری داشته و صنعت موسیقیایی قدرتمندی به شمار می رود. در ایران هیچ کدام از این ها اتفاق رخ نداده است.

البته فرشیید اعرابی غیر از آلبوم ها و کنسرتهايش در زمینه های دیگری فعالیت می کند.

ساخت موسیقی تاتر و فیلم نیز از فعالیت های مهم ایشون به شمار میره. به طور مثال تاترهای: آخرین بازی، گاردن پارتی در برف، تهران، ابریشم بانو و فیلم بادامهای تلخ...

امروز شناس این را پیدا کردیم تا با یکی از هنرمندان فوق العاده مستعد و توانا در زمینه موسیقی متال مصاحبه کنیم. این موزیسین و البته خواننده فرشیید اعرابی نام داره.

فرشیید اعرابی؛ نوازنده و آهنگساز و خواننده فعالیت حرفه ای خود را حدود سال 73-72 با تنظیم ارکستر برای کنسرت و آهنگ سازی و تنظیم برای اولین نسل از خوانندگان موسیقی پاپ بعد از انقلاب آغاز کرد اما در اوایل دهه ی بعدی راه خود را جدا کرد و به دنبال موسیقی راک رفت... –از اینکه دعوت ما را برای مصاحبه پذیرفتید بسیار سپاسگزارم. لطفا کمی در مورد گذشته حرف بزنید اینکه از کجا شروع کردید؟

در همان ابتدای دهه ی 70 به اتفاق بابک پور شریف نوازنده ی گیتار باس و نیما نوا پور نوازنده ی درام گروهی به نام فاریاب تشکیل دادیم. کار هایمان بدون کلام، هارد راک و متال بود و البته با خوانندگان پاپ هم همکاری می کردیم. در سال 79 نیز با قاسم افشار گروه یاران را تشکیل دادیم. بعد از آن در سال 82 آلبومی با مجوز ارشاد به سبک هوی متال را وارد بازار کردم. نام این آلبوم پنهان بود که از اشعار کلاسیک استفاده شده بود.

آقای اعرابی لطفا در باره آلبوم پنهان برای ما صحبت کنید

– این آلبوم از لحاظ قوانین موسیقی کوچک ترین ضعفی ندارد. سولو ها یا صدای خواننده مجموعه ی سازها ( گیتار باس، پاور کرد، لید و... ) ساخت و تنظیم همه ی این ها کار خودم بود. سعی داشتم این آلبوم رنگ خالص خودم باشم... با وجود اینکه آلبوم پنهان در سال 80 80 آماده بود ولی سال 82 وارد بازار شد. با اینکه ارشاد مشکلی با این آلبوم نداشت اما تأیید آن 16 ماه طول کشید. اصولاً اولین کار خیلی مهم جلوه می کند و اگر زمان مجوزش گرفتنش طولانی بشه سازنده ی اثر را خسته می کند چون منتشر شدن آن اثر بعد از دو سال به این معنیست که تفکر دو سال پیش شما حالا قابل استفاده ست و خوب با شرایطی که انسان هر لحظه در حال تغییره، آن محصول لذت خاص خودش را از دست می دهد.

در ادامه فرشیید اعرابی از سبک خوانندش برامون میگو:

– حالت خوانندم در آلبوم «پنهان» یک نوع مرثیه خوانی است کنتراست موسیقی و شیوه خواندن آگاهانه به این صورت است. یک خواننده ی راک معمولاً بالا می خواند، صدایش اوج می گیرد و گاهی حتی دیستورت می شود. هر چند که من مستندی برای ایرانی بودنش نداشتم اما فکر می کردم این شیوه در فرهنگ ما جای ندارد، مساله مخاطب و ارشاد هم مطرح بود و من به دنبال راه حلی دیگر این طور تصوراتم را در کارهام به اجرا در آوردم.



# گفتگو پوی با مهرداد داد قلندری

گل آرا توکلیان

مطمئنا هممون میدونیم یکی از خصایص گنج، پنهان بودنشه و همین مخفی بودن از دیده‌ها هست که جذابیت گنج رو بیشتر میکنه ، اما بعضی گنج‌ها هستن که یکی از ابعاد و زوایاشون بر ما واضح و مبرهنه و این عامل، جذابیت بیشتری رو سبب میشه تا ما به دنبال منبع اون اثر بریم . شاید هممون یک روز سرد زمستونی که داریم تو یه کوچه خلوت قدم میزنیم صدای یه سازی گوشمون رو نوازش میکنه ناخود آگاه به دنبال صدا میگردیم . کنجکاویمون تحریک میشه ، چشم و گوشمون تلاش مضاعف خودشو واسه یافتن اون صدای دلنواز ( و گاهی دل خراش ) آغاز میکنه ...

شاید خیلی از ما آلبوم هایی که این هنرمند جوان کار کرده رو شنیده باشیم...اما یه روز که به آهنگ سازی موزیک های ایرانی فکر می کردم،به خودم گفتم وای پسر فلان آلبوم چه آهنگ ساز خوبی داشته و قوی کار کرده. کنجکاویم بر انگیزخته شد تا آهنگ سازشو پیدا کنم. بعد از تحقیقی که کردم با اسمی نا آشنا، آشنا شدم، مهرداد قلندری!

از آقای قلندری نه مصاحبه ای پیدا کردم نه نشونوی ای. تا یک روز به طور اتفاقی توسط یکی از دوستانم تونستم با مهرداد تماس برقرار کنم.خلاصه تو دل همین شهر شلوغ لابه لای این همه خونه و خیابون و ماشین تونستم این هنر مند جوان رو پیدا کنم.

مهرداد قلندری متولد سال 1363 در سن 26 سالگی به یکی از بهترینها در عرصه آهنگ سازی تبدیل شده و با بهترین های موسیقی ایران کار کرده . با وجود کم حرفی و متانت مهرداد و شخصیتش که حکایت شیخ عجل سعدی رو یادآور میشه (دانا جو طبل عطار است خاموش و هنرنا ) با هم به سخن می نشینیم . ازش میخوام در مورد تاریخچه کاراش بگه :

- از سال 79 حرفه ای کار کردم. در سال 80 با باز شدن استودیو رولند که ما به آن موکو می گفتیم جدی تر ادامه دادم اما 2 سال بعد با بسته شدن استودیو کارم مشکل شد. حدود 1 سال تقریبا کار نکردم.اما روی هم رفته بعد از 1 سال کار از سر گرفته شد .همون طور که گفتم مهرداد با بهترین های موسیقی ایران کار کرده. یکی از همکاری های خوش با روزبه بمانی و آقای افکاری هست و این طور می گوید :با آقای علیرضا افکاری همکاری های زیادی داشتم در واقع 5-4 سال با هم کار کردیم میتونم بگم ایشان استادم هستند . در حال حاضر هم دوست هستیم اما رابطه ی کاری با هم نداریم. ازشون در مورد فعالیت هایی که در دنیای موسیقی داشتن می پرسم چندتایی رو نام می برن. اما جالبه که خیلی از اون ها یادشون نیست...آلبوم فصل من هلن، نفس های بی هدف محسن یگانه، فراموشم نکن چنگیز حبیبیان، شب ترانه مقتدی غرباوی،مسیر آخر علیرضا حسینی و... با ناصر عبدالهی هم یه آلبوم کار کردم البته به عنوان صدا بر دار ولی این آلبوم هیچ وقت منتشر نشد چون متاسفانه ناصر عبدالهی فوت کرد (یادش گرامی) .

همین طور تنظیم آخرین ملودی بابک بیات که توسط شاگردشون شروین شریعت در اختیار من قرار گرفت و تک آهنگ های زیادی مثل همکاری با آقای علی عرب در آهنگ سازی و تنظیم آهنگ علم دار در مورد حضرت ابوالفضل .آلبوم هایی هم هست که از بهترین کارهای مهرداد و او از عنوان نام اون ها خودداری میکنه! می گوید: کارای Instrumental و راک زیادی انجام دادم که به اون صورت یادم نمی یاد ( گفتم که؛ خاموش و هنرنا!) همین طور با شعرا و نوازنده های خوبی کار کردم؛ روزبه بمانی، زهرا کلاته (شعر باران رادین)،زهرا زمانی ،سمیرا یزدانی( در آلبوم مسیر آخر 2 تا شعر از ایشون داریم) و... نوازندگانی چون فیروز ویسانلو ،میثم مروستی، امید وایمان حجت، پیمان عیسی زاده، شهاب اکبری،محمد رضا نیک فر و...همینطور مهرداد قلندری وعده ی همکاری رادین رو در آینده به ما میده.

ازآقای قلندری در مورد آخرین آلبومش سوال میکنم و می گوید: این آلبوم به نام مسیر آخر با صدای علیرضا حسینی بعد از ماه صفر وارد بازار میشه،آلبوم فضایی رومانیتیک دارد... از کارهای دیگر مهرداد در عرصه آهنگ سازی، موسیقی فیلم است. به عنوان نمونه فیلم های یک وجب خاک برای آذر و زهر وباد زهر، که در زهر و باد زهر با کار گردانی آرش معیریان ،صدا برداری رو هم تجربه کرد نظر مهرداد رو در مورد تجربه کار صدا برداری جویا میشم و این طور جواب می دهد:برای من خسته کننده بود. روحیم کمی متفاوت است، اینکه من دوست دارم درخلوت و تنهایی کار کنم و عادت به کار کردن در ملا عام را ندارم . مهرداد قلندری از صدا برداری،نوازندگی ،آهنگ سازی، تنظیم و... حرف زد و اما جالب است بدانید در گذشته به خوانندگی علاقه داشت و می خواست خواننده باشد.اما او معتقد است: یک خواننده وقتی تنظیم کننده میشه تو کارش خطا پیش مباد و من نخواستم این اتفاق برام بیفته والان فقط دوست دارم موزیسین خوبی باشم. مهرداد برای علاقه مندان آهنگ سازی پیشنهاد می کند قبل از آنکه به هر کاری دست بزنند حتما مشاوره کنند.او معتقد است با اینکه سلیقه ی موسیقی بسیار مهم است اما اول تئوری موسیقی را بلد باشید و به مرور زمان تجارب حاصله هم خیلی موثره. کل دنیا دارن با 12نت(اگر نیم پرده ها رو هم حساب کنیم) هزاران هزار ملودی می سازن. ایشون تاکید دارن از نرم افزار ها استفاده نکنید چون نرم افزار باعث می شه شما به دنبال ایده خودتون نرید و از مسیر اصلی دور بشین.

به هر حال ، حال و هوای صحبت با مهرداد قلندری سرشار از آرامش، متانت، بزرگواری و فروتنی بود . خوشحالم که جوانهایی با روح هنری در اجتماع ما وجود دارند ، جوانهایی که هنر رو به خاطر هنر پیرو میشن نه به خاطر خودنمایی و ... برای مهرداد عزیز آرزوی موفقیت ، نشاط و امید روز افزون دارم .



# حسین ابلیس گفتگو

گل از تو کلیان

تا حالا با چه کسانی همکاری داشتید؟  
 - با خیلی ها... اگه اسم ببرم صبح میشه، فعلا قصد دارم چندین کار با رفیق خویم امیر قهرمانی ملقب به بیداد که آهنگ سازی کارها به عهده اش هست انجام بدم.

همین طور دوست دارید با چه کسانی فعالیت داشته باشی؟ (خواننده آهنگ ساز و ...)  
 - کسی تو نظرم نیس

پر طرفدار ترین و کم طرفدار ترین کارتون از نگاه خودتون کدوم یکی از کار هاتونه؟  
 - فکر میکنم حسرت خوب بود... کم طرف دار ترین کارم بود بغیر از کارهای قدیم... که خوب اون دوره رپ هنوز رپ نشده بود... همه مبتدی بودیم.

دلیلش رو نمی خوام بپرسم که چرا رپ رو انتخاب کردید اما فکر می کنم برای مردم جالبه که بدونن چرا رپ رو ادامه دادید؟  
 - دله خودم و آدمایی که مثل من فکر میکنن هست.

به نظر خودتون آیا طرفدارتون فقط نسل جوان هستن یا اینکه افراد مسن هم به کارتون علاقه نشون می دن؟؟  
 - من بیشتر تو کارای جدید سعی کردم خط فکریمو به گوش برسونم و کسی که مثل من فکر می کنه ممکنه 50 سال سن داشته باشه ممکنه هست 20ساله باشه.

شما چطوری سعی می کنید هویت ایرانی بودنتون رو غیر از این که فارسی بخونید حفظ کنید. چیزی که واسه غیر ایرانی ها مورد توجه باشه وهم ایرانی ها رو بیشتر به خودشون بیاره؟  
 - به داستانی هست که میگه 2کیلو باش اما آدم باش. ایرانی غیر ایرانی فرقی نمی کنه... ایرانی بودن افتخار نیست آدم بودن افتخاره مهم نیست که کجایی باشی.. اما اگه منظور ارق ملی هست.. خوب اون چیزیه که همه ایرانی ها دارن نیاز به یاد آوری من نیست.

از نگاه خودت در رپ فارسی چه جایگاهی داری؟  
 - من نظری نمیدم چون هنوز شروع درستی نکردم

آیا موسیقی تنها راه درآمدتونه و اگر نه دیگه چکار می کنین؟  
 - نه.. خرید و فروش ماشین

تاتوی جالبی روی گردنتون بود خوبه که یکم در موردش بهمون بگین؟  
 - دلایلم زیاد.. یک مرد واقعی در زمان خودش، اینطور که تو تاریخ اومده فکر کنم کافی باشه

آیا قصد داری به ایران برگردی یا نه؟  
 - اگه خدا بخواد حتماً

فعالیت ایرانی های علاقه مند به رپ در ارمنستان چطوره و نسبت به رپ ما چی فکر می کنن؟  
 - رپ فارسی خارج از کشور خیلی ضعیفه، خوب دیلاش هم زیاده. برای اینکه کسانی که اون ور به دنیا اومدن یا بزرگ شدن فارسی خیلی کم بلدن

و این برای یک خواننده رپ فارسی نقطه ضعف بزرگه ..  
 چه عاملی باعث شد با موژان همکاری کنی؟

موژان واعضی از این قضیه مستثناس و من دوست داشتیم که شنونده ها گوش هاشون رو در اونور آب به شخص درستی بسپارن نه کسی که به زور تبلیغ میخواد بگه منم هستم و شعراش فاقد محتواس

شنیدیم که آهنگی که با موژان کار کردی دیس بوده که ظاهرا شما در جریان نبودید  
 حالا قضیه چی بوده؟

- من قسمت های موژان و سامان رو نمی دونم اما قسمت من نه، منظورم با شخص خاصی نبود و نه چیزه دیگه.. اما خوب به قول قدیمی ها میگن فحشو که بندازی زمین صاحبش بر میداره میزازه تو جیبش.. حالا داستان همینه

شما الان حسین هستین ربیری ایرانی. می دونم که یک سری از مسایل غریزی هست اما برای قسمت دیگر شما چه تلاشی کردید (رشد دادن استعدادتون)؟؟  
 - آب میجوییم، غذارومینوشیم. شبها زود میخوابیم.

خودت رو به چی تشبیه می کنی و چه توضیحی در مورد خودت میدی؟  
 - نمیدونم

در آخر ممکنه بخواین در مورد موضوع خاصی حرف بزنید که من نپرسیده باشم یا ممکنه بخواین به نکته ی خاصی اشاره کنید ...  
 ممنون از شما و از همه .. به امید دیدار در وطن

حسین رحمتی متولد سال 67- تهران، در مشهد بزرگ شد و با نام هنری "حسین ابلیس" رپ خوان ایرانی است. حسین رپ خوانی را از سال ۱۳۷۸ در شهر مشهد شروع کرد. او اولین کار رسمی خود را با عنوان "تو زنده میمونی" با گروه ۵۱ بیرون داد که در مورد مرگ PAC2 بود. حسین در کار بعدی خود اولین دیس ترک رپ فارسی را با نام «کل کل نکن» بیرون داد. گروه ۵۱ به مدت ۴ سال پابرجا بود. پس از این که این گروه از هم پاشید، حسین ابلیس بیشتر به خواندن آهنگهای گنگ روی آورد.

در حال حاضر حسین دچار جلای وطن شده و فعلا ساکن ارمنستان هست. حسین مدت تقریباً زیادی از خوانندگی دور بود که به گفته ی وی در مصاحبه اش دلیل این دوری مسایل تحصیلی و تنها کار کردن او بوده است. بعد از جستجوهای بسیار و تماس هایی که گرفته شد بالاخره تونستیم با هاشون صحبتی داشته باشیم. حسین پسر فعالیه که هم درس میخونه و هم رپ. همین طور تو کار بیزنس اتومبیله... در ادامه شما رو به مصاحبه حسین جلب میکنم:

حسین جان از فعالیت هاتون بگین الان مشغول چه کار هایی تو دنیای موسیقی هستین؟  
 فعلا در حال حاضر مشغول تهیه و تکسیر آلبوم یکی از بچه های گروه مون (کاغذ) هستیم با نام (صبح بخیر ایران) با آهنگ سازی علی شلیم، خواندن و متن به عهده صادق هست، من هم در آلبوم همکاری کردم و تنظیم کارها هم به عهده من بود.

چرا یه مدتی رپ رو کنار گذاشتین و چرا دوباره برگشتین؟  
 من رپ رو کنار نذاشتم، علت کم کار بودنم فکر میکنم مشغله های زندگی بوده و خوب یه مقدار هم بر میگردد به جو حاضر رپ با شرایط سنی و اجتماعی که من دارم، یعنی باهم زیاد جور در نیامد.

به نظر خودتون در موسیقی بر چه چیزی تاکید دارین؟  
 زندگی خوب حتی باجیب خالی غلبه به ترس از هر چیزی و...  
 ومنبعی که ازش الهام می گیرید چی هستش؟

آینه  
 معمولاً چه چیز هایی روی شما تاثیر می گذاره که این موزیک و اشعار رو بسازین؟  
 جامعه با خیابوناش و آدمای توش

روشت توی آهنگ سازی به چه صورته؟  
 اول شعر و بعد ملودی ماکت و بعد هم فکر و مشورت برای انتخاب ملودی های ماکت و بعد رکورد ماکت و مشورت مجدد روی استایل و مرحله آخر رکورد اصلی و میکس و مستر کردن موزیک.

آیا نت نویسی آهنگ هارو به تنهایی انجام میدید؟ اگر کاری داشتین که خودتون تکست رو نگفتین لطفاً نام ببرید.

نت نویسی آهنگ ها به عهده آهنگ ساز هست... به یاد ندارم روی موزیک خوانده باشم و تکست یا متن از خودم نباشه. من کاملاً مخالف این قضیه هستم  
 معمولاً برای بهتر شدن صداتون چه کار می کنید؟  
 وایساده می خوابم و نشسته راه میرم!

جایی خوندم که قراره از این به بعد شما تنها به نام حسین آهنگ بدید بیرون و لقب ابلیس قراره حذف بشه. چرا این لقب رو انتخاب کرده بودید و چی شد که تصمیم گرفتین دیگه با نام حسین ابلیس کار نکنین؟ - واسه خنده انتخاب کردم و الانم تصمیم گرفتم دیگه نخندم دلایلم اینه.. کلا با اسم خودم بیشتر

حال میکنم





[www.Barbadmagozise.com](http://www.Barbadmagozise.com)



تبلیغات

برای تبلیغات با ۹۳۵۳۷۶۸۶۲۹ تماس بگیرید

ای آر

RAPFA46.COM

